

نخستین جلوه حقیقت

فرشته‌ای از طرف خدا مأمور شد آیاتی چند بعنوان طلیمه و آغاز کتاب هدایت و سعادت به «امین قریش» برساند و او را بکسوت نبوت مفتخر سازد، آن فرشته، همان «جبرئیل» و آن روز همان «روزمبت» بود و در شماره آینده درباره تعیین این روز گفتگو خواهیم کرد.

جای شکه نیست که رو برو شدن با فرشته آمادگی میخواهد، تاروح شخصی بزرگه و نیرومنه نباشد تاب تحمل بار نبوت و ملاقات فرشتار را نخواهد داشت، «امین قریش» این آمادگی را بوسیله عبادتهای طولانی، و تفکرهای ممتد و عنایات الهی بدست آورده بود و بنقل بسیاری از سیره نویسان پیش از روز بمبت خوابها و رؤیاهایی میدید که مانند روز روشن دارای واقعیت بود، پس از مدتی لذت بخش‌ترین ساعات برای او ساعت خلوت و عبادت در حال تنهایی بود؛ او بهمین حال بزمیبرد، تا اینکه در روز مخصوصی فرشته ای پیام الهی را آورد و با او گفت: «اقرء»، او از آنجا که امی و درس نخوانده بود؛ پاسخ داد که من توانایی خواندن را ندارم، جبرئیل او را سخت بیفشرد سپس دستور خواندن داد، و همان جواب‌ها شنید؛ فرشته نیز او را سخت فشار داد، این عمل سه بار تکرار شد و پس از فشار سوم او توانایی خواندن لوحیکه در دست «جبرئیل» بود پیدا نمود و آن آیات که در حقیقت دیباچه کتاب سعادت بشر بشمار میرود بقرار زیر است:

اقرء باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق اقرء وربك الاکرم
الذی علم بالقلم؛ علم الانسان ما لم یعلم (سوره علق آیات ۱-۵) : «بخوان بنام
پروردگارت که موجودات را آفرید، کسیکه انسان را از خون بسته خلق کرد، بخوان و
پروردگار تو گرامی است؛ آنکه قلم را تعلیم داد، و بآدمی آموخت آنچه را که نمیدانست،
جبرئیل مأموریت خود را انجام داد و پیامبر نیز پس از شنیدن آیات از کوه «حراه» پایین

آمد ، و بسوی خانه «خدیجہ» رہسپار شد ،

آیات فوق برنامہ اجمالی رسول اکرم را روشن میکند و بطور آشکار میرساند کہ اساس آئین اور اقراآت و خواندن ، علم و دانش و قلم تشکیل میدہد ؛ و اینکہ اول از آفرینش عمومی تمام موجودات جہان سخن میگوید ، سپس بطور خصوص آفرینش انسان را مورد گفتگو قرار میدہد ، نیز بمنظور بالا بردن مقام انسان است .

جہان بینی یک ہر دمادی:

ترقیات روز افزون دانشہای طبیعی ، قدرت تعمق در بعضی از مطالب را از بسواری دانشمندان ربودہ و شماع فکر آنہارا محدود کردہ است . چنین تصوری کند کہ جہان ، ہمین جہان مادہ است ، و ہستی غیر از مادہ چیز دیگری نیست ، و ہر چیزیکہ با اصول و قوانین مادیگری پیوند ندارد امریست موهوم و باطل .

ناگہتہ پیدا است آنان کو چکترین گواہ بر نبودن جہان دیگر کہ وحی و الہام از آن سر-چشمہ میگیرد ، ندارند و تم میگویند : تجربہ و آزمایش ، حس و علوم مادی ما را بآن رہبری نمیکند و از وجود چنین موجودات گزارشی در اختیار ما نمیگذارد ، و با اصطلاح زیر چاقوری تشریح خود روان رانمی بینیم ، و یادہر آزمایشکاہا اثری از این موجودات ، زیر ذرہ بینہا مشاهده نمیشود و در نتیجہ چون ابزار فعلی ، ما را بسوی آنہا ہدایت نمیکند ؛ پس ناچار وجود خارجی ندارد .

این گفتار ، خلاصہ مطالب مادیہا است ، چنانکہ روشن است عدم وجدان را بجای عدم وجود ، بکار برده و چون با ابزار فعلی بآن حقایقی کہ دانشمندان خدا پرست معتقدند نمیروند ، نتیجہ میگیرند کہ پس تمام آنہا بی اساس است .

جای شك نیست کہ اساس گفتار دانشمندان خدا پرست برای مادیہا مفہوم نشده است و ہر گاہ در یک محیط مناسب ، کہ از ہر گونه غرض و تمسب خالی باشد ، ہر دو گروہ گفتگو پردازند تصور می رود کہ فاصلہ مادی و الہی بزودی از بین برود ، و این اختلاف کہ دانشمندان را بدو گروہ تقسیم کردہ است برداشتم شود .

الہیون دہہا گواہ و دلیل قطعی بر وجود خدا اقامہ نمودہ و ثابت کردہ اند کہ ہمین علوم ما را چنین نیروی ہدایت میکند ؛ و ہمین نظام شگفتانگیز کہ در درون و برون تمام موجودات مادی حکم فرماست ، دلیل قاطع بر وجود پدید آورندہ این نظام است تمام جہان مادی ازہ کہکشاز ، گرفته تا دائم روی یک سلسلہ قوانین منظم و مرتب پیش میروند ؛ و ہر چکا ، طبیعت کہ و و کر ، توانائی ندارد ، کہ متعکّر و پایہ گذار این

نظام بدیع گردد ، و این همان برهان «نظم هستی» است که اساس ده ها کتاب و نوشته است که از طرف دانشمندان خداپرست منتشر شده است و از آنجا که این دلیل برای تمام طبقات مفهوم و قابل استفاده است ، - لذا - بیشتر در نوشته های عمومی روی همین تکیه شده و هر کس از طریق آنرا پروانده است و دلیلهای دیگر که چندان جنبه عمومی ندارند در کتاب های فلسفی و کلاسی بطور مشروح نیز از آنها بحث شده است .

روح مجرد

اعتقاد بروح از آن مسائل بفرنج و دشواریست که انظار دانشمندان را بخود جلب کرده و گروهیکه میخواهند همه چیز را زیر چاقوی تشریح به بینند ، آنرا انکار کرده فقط بروانی معتقدند که جنبه مادی دارد و تحت قوانین طبیعی است .

وجود روح و روان غیر مادی از آن مسائلی است که از طرف خداپرستان و معتقدین بموالم روحانی بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفته است ، و گواهای فراوانی برای وجود یک چنین موجود غیر مادی آورده اند که اگر در یک محیط مناسب با آشنائی کامل با اصول ادله الهیون مورد بحث قرار گیرد ؛ کاملاً مورد تصدیق قرار میگیرد و آنچه دانشمندان خدا شناس درباره فرشته ، روح و وحی و الهام سخن گفته اند ، تمام روی اساسی است که قبلاً آنرا با گواهای محکم پی ریزی کرده اند ، و اینکه گاهی در برخی از نوشته ها بچشم میخورد که مسئله وحی با قوانین طبیعی تطبیق نمیکند ، روی غفلتی است که نویسنده از اساس آئینهای آسمانی نموده است ؛ کسیکه معتقد بوحی و الهام ؛ و اتصال روحانی میشود ، روی ادله قطعی است که بر وجود روان و موالم روحانی در اختیار دارد .

تنویم مغناطیسی

کسانی که میخواهند همه چیز را روی تجربه و آزمایش مادی بفهمند ممکن است بنوشته های فراوانی که درباره این موضوع منتشر شده است مراجعه کنند ، یکی از مؤسین این فن دکتر «سمر» آلمانی است . الان دو قرن از ابتکار او میگذرد ، و روز بروز از طرف دانشمندان مورد تأیید قرار میگیرد ، او عده ای را که از نظر ساختمان مزاجی و فکری برای «تنویم» (خواب کردن) مناسب بودند تربیت کرد ؛ و در حضور بسیاری از دانشمندان موفق شد همان افرادی را که قبلاً آزمایشها روی آنها نموده بود ؛ خواب کند ، و روح آنها را از بدنشان آزاد کرده و گزارشهایی در باره حوادث گذشته و آینده تحصیل نماید و دو قرن است که این علم از جهات مختلفی رو بکنامل است آنان پس از آزمایش ها موفق با ثبات نتیجه های زیر شدند :

۱ - انسان علاوه بر خرد و ادراک ظاهری ، يك خرد و ادراک باطنی نیز دارد که از ظاهری رساتر است .

۲ - هر دو نیرو در حالات خواب مصنوعی می‌توانند ازدور بشنوند ، پشت پرده را ببینند و اجمالا از حوادث آینده خبر بدهند ، حوادثیکه کوچکترین نشانه ظاهری بر وجود آن نیست .

۳ - با اجراء قوانین و تنویم مفناطیسی ، میتوان روح شخص را از تن او جدا نمود که روح او ناظر تن بی‌روح او بشود .

۴ - نظام روح يك نحوه استقلال دارد .

۵ - با منلاشی و پراکنده شدن اجزاء بدن ، روح از بین نمی‌رود .

و همچنین نتایج دیگری، که اگر چه ما نمی‌توانیم تمام آنها را بطور درست بپذیریم ولی نتیجه اجمالی این آزمایشها که در ظرف دو قرن انجام یافته و بسیاری از دانشمندان خاور و باختر نظر آن آزمایشها بوده‌اند ؛ همان وجود روح و اصالت و استقلال آنست که منظور ما هم همین قسمت است کسانی که مایل باشند می‌توانند شرح این آزمایشها را در کتابهای این فن مطالعه فرمایند .

وحی یا شعور مرموز

اعتقاد بوحی اساس تمام رسالتهای و ادیان آسمانی است ؛ و پایه آن داشتن روح مجرد نیرومند و فوق‌العاده ایست که بتواند معارف الهی را ، بدون واسطه یا بوسیله فرشته‌های دریافت کند و دانشمندان در باره وحی چنین گفته‌اند : *الوحی تعلیمه تعالی من اصطفاة من عباده کل ما اراد اطلاعہ علیہ من الوان الہدایة والعلم ولكن بطریقة خفیة غیر معتادة للبشر* ؛ وحی عبارت از این است که خداوند بیکى از بندگان برگزیده خود راههای هدایت و انواع علوم را بیاموزد ، ولی بایک طریق مرموز و خارج از متعارف .

اقسام وحی

روح بر اثر کمالاتی که دارد از راههای گوناگون می‌تواند با عالم روحانی تماس بگیرد ، و مادر اینجا خلاصه آنچه را در روایات پیشوایان اسلام وارد شده است ، درج می‌کنیم : (برای تفصیل بیشتر به کتاب «بحار» صفحات ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ ج ۱۸ از طبع جدید مراجعه شود)

۱ - گاهی حقایق الهی بطور الهام در می‌آید ، و آنچه بر قلب او القاء میشود ، حکم علوم بدیهی را پیدامی کند و شك و تردید در آن راه نخواهد یافت .

۲ - جمله‌ها و کلماتی را از جسمی (مانند کوه و درخت) می‌شنود (سخن گفتن موسی با خدا از این قرار بوده است).

۳ - خواب‌های واقعبینانه می‌بیند، که در داشتن حقیقت از روز روشن کمتر نمی‌باشد.

۴ - فرشته‌ای از طرف خدا مأمور می‌شود که کلام مخصوصی را با او برساند که تمام قرآن از این طریق برای رسول اکرم نازل شده است و خود قرآن نیز در سوره «شعراء» آشکارا می‌فرماید: **نزل به الروح الامین علی قلبك لتكون من المنذرين بلسان عربي مبین** ۱۹۲ - ۱۹۵: روح الامین (جبرئیل) آن (قرآن) را بر قلب تو نازل کرده است تا از گروه ترسانندگان بوده باشی (پیامبران مردم را از مجازات خدا می‌ترسانند)

علائم و آثار «وحی»

رسول اکرم هنگامیکه با صورت ملکوتی و واقعی فرشته رو بر او می‌شد، و یا آن را در صورت انسانی می‌دید؛ آثاری در پیشانی و بدن مقدسش دیده نمی‌شد، ولی هنگامیکه بطور ناگهانی بدون دیدن صورت او بر پیامبر اکرم نازل می‌گردید، آثار انفعال و تغییر در پیکرش مشاهده می‌گشت، بدن مبارکش سنگین می‌شد، بی‌حالی مفرطی با و دست میداد، و قطرات عرق از جبین مبارکش میریخت، روح بزرگش غرق در دیدار فرشته روحانی می‌گشت؛ و عکس‌المعمل آن در پیکرش ظاهر می‌شد، و پس از آنکه نزول وحی پایان می‌یافت آنچه را در عالم وحی شنیده بود تمام را ثبت خاطر می‌دید.

گفتگو با یکی از دانشمندان

دانشمندی با کمال کنجکاوی سؤال می‌کرد که: چطور می‌شود، بشری بتواند از خدا خبر بدهد، احکام و فرمان‌هایی بوسیله فرشته یا بدون واسطه دریافت؟ و این مطالب از قوانین طبیعی بیرونست.

او بطور مرتب فرمول‌های علمی را درباره انتقال صوت می‌خواند و در انتظار پاسخ بود؛ نگارنده با و گفت: جایکه بشر با کشف رازهای نهفته طبیعت می‌تواند بوسیله رادیو، بی‌سیم، تلفن و... سخنان خود را بدورترین نقطه برساند، و با صحنه و نواری را بر کرده و به نقطه‌ای می‌خواهد ببرد، و سخنان گوینده را دورتر به بشنود، آیا آفریدگار این بشر، پدیدآورنده این نظام بزرگ نمی‌تواند سخنان خود را بوسیله فرشته‌ای یا بدون واسطه به یکی از بندگانش برگزیده‌اش برساند؟

البته آنچه گفته شد بعنوان مثال بود و الا حقیقت «وحی» فوق این قوانین *